

## علم در خدمت میلیتاریسم

تمرکز سرمایه، تولید و درآمد از عمده‌ترین مشخصات اقتصاد سرمایه‌داری معاصر است. سرمایه انحصاری در حال حاضر تقریباً بطور کامل حاکم بر عرصه‌های عمده تولید است. در میان این انحصارات، مجتمع نظامی - صنعتی جایگاه ویژه‌ای دارد. این مجتمع، محصول پیوند ارتجاعی‌ترین و تجاوزکارانه‌ترین نیزه‌های سرمایه‌داری، یعنی انحصارهای اسلحه‌سازی و ژنرال‌های پنتاگون می‌باشد. نمایندگان مجتمع نظامی - صنعتی می‌کوشند که مسابقه تسلیحاتی را به مثابه «مشوق اقتصاد» وانمود کنند و از این راه، منابع مادی عظیم بشری را که بایستی در راه اعتلای رفاه مادی و ترقی ملت‌ها مورد استفاده قرار گیرد، به مصرف تسلیحات برسانند. مجتمع نظامی - صنعتی در راه نیل به این هدف، از هروسيله‌ای استفاده می‌کند. یکی از پلیدترین این ابزارها، در خدمت گرفتن محصولات درخشان اندیشه بشری و استعداد دانشمندان و متفکران ممتاز است. خطرات این اتحاد نامقدس (پنتاگون و مجتمع نظامی صنعتی) برای صلح و امنیت بشری و آزادی و استقلال ملت‌ها آن‌چنان گسترده است که حتی پرزیدنت آیزنهاور رییس جمهور اسبق آمریکا نیز به هنگام ترک مقام خود، خطرات آن را به مردم آمریکا گوشزد کرده است. مطالعه مقاله‌ای که در پی این مقدمه می‌آید، لزوم کاهش نیروهای مسلح و تسلیحات و امحای سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی را برخواننده روشن می‌سازد. از این طریق، علاوه بر این‌که صنایع نظامی در خدمت مقاصد غیرنظامی قرار می‌گیرد، نیروی تفکر و اندیشه عظیم هزاران تن از برگزیده‌ترین دانشمندان جهان نیز آزاد می‌شود تا به جای اندیشه درباره طرق امحای بشریت، درباره بهروزی و رفاه او بیاندیشند.

\*\*\*

در اواخر دهه ۱۹۳۰، یک شیمی‌دان برای استخدام به نیروی دریایی آمریکا مراجعه کرد. اما، تقاضای او فقط به این دلیل رد شد که نیروی دریایی قبلاً یک شیمی‌دان را استخدام کرده بود.

امروزه این اتفاق بسیار عجیب به نظر می‌رسد. زیرا اکنون بیش از نیمی از دانشمندان و مهندسين آمریکایی بطور مستقیم یا غیرمستقیم با پنتاگون همکاری می‌کنند. صنعت مرگ‌آفرین ایالات متحده آمریکا، بطور فزاینده‌ای در پی بهره‌برداری از دستاوردهای علم،

در جهت اهداف خویش است.

این گناه امپریالیسم است که اکنون کار میلیون‌ها تن، دستاوردهای درخشان اندیشه بشری، استعداد دانشمندان، محققین و مهندسين، نه به سود بشریت و تقویت و پیشرفت و بازسازی زندگی بر روی کره زمین، بلکه در جهت وحشی‌گری، مقاصد ارتجاعی، نیازهای جنگی و ایجاد بزرگترین بلاها برای ملت‌ها صرف می‌شود.

خط مشی دولت ایالات متحده در افزایش هزینه‌های نظامی، به رشد سریع هزینه‌های مربوط به تحقیقات علمی برای مقاصد نظامی انجامیده است. به جز پروژه «مانهاتان» برای ساخت بمب اتمی، بالاترین رقم مربوط به هزینه‌های تحقیقات نظامی در جریان جنگ دوم جهانی، پانصد میلیون دلار در سال بود. در جریان جنگ کره، این رقم به هزار و سیصد میلیون دلار در سال افزایش یافت.

اخیراً دولت ایالات متحده مبلغی به میزان ۱۵۵۰۰ میلیون دلار در سال برای توسعه تحقیقات نظامی و نظامی - فضایی اختصاص داده است. وزارت دفاع - کمیسیون انرژی اتمی و سازمان ملی هوانوردی و امورفضایی، حدود ۹۰ - ۸۵ درصد بودجه دولت برای تحقیقات و توسعه را به خود اختصاص می‌دهند.

میلیتاریزه شدن تحقیقات در ایالات متحده، از بخش غیرنظامی تحقیقات تغذیه شده و از توسعه سرمایه‌گذاری‌های عظیم و افزایش تعداد دانشمندان بسیار خبره ناشی می‌شود. این دانشمندان، عمدتاً به دلیل دستمزد بالا و تسهیلات علمی و تحقیقاتی بهتر، جلب بخش نظامی می‌شوند. یک بررسی انجام شده نشان می‌دهد که از ۴۰۰ هزار دانشمند و مهندسی که در امریکا به کار تحقیقات اشتغال دارند، ۲۵۰ هزار نفر به اشکال مختلف بر روی پروژه‌های دفاعی و فضایی کار می‌کنند. کنگره نیز تلاش فراوانی می‌کند که واگذاری هرگونه امتیاز برای تحقیقات و آموزش در برنامه‌های غیرنظامی را با مشکل روبرو سازد. مبالغ ناچیزی هم که گاهی به این امر اختصاص می‌یابد به توسط رییس جمهور جرج و تعدیل می‌شود. به عبارت دیگر، پنتاگون سخاوتمندانه میلیاردها دلار خرج می‌کند تا بهترین و برجسته‌ترین دستاوردهای اندیشه بشری را علیه خود بشریت به کار گرفته و آن‌ها را در خدمت نیروهای ویرانگر جنگ قرار دهد. به عنوان مثال، ایالات متحده در حال حاضر، چهاربرابر تحقیقات ضدسرطان، برای جنگ افزارهای شیمیایی خرج می‌کند.

پنتاگون، خود را صرفاً به تحقیقات نظامی محدود نمی‌کند. این تشکیلات هرروز بیشتر از روز قبل در تحقیقات بنیادی و توسعه، که توسط بنیاد ملی علوم انجام می‌شود، دخالت می‌کند. اما، این بنیاد در حال حاضر تنها ۱۲ درصد کارهای تحقیقاتی از این نوع را انجام می‌دهد و تنها از ۲-۳ درصد بودجه فدرال برای تحقیقات و توسعه استفاده می‌کند. در

همین حال، وزارت دفاع، ناسا و کمیسیون انرژی اتمی، سهم هرچه بزرگتری را از تحقیقات انجام شده در این کشور را به خود اختصاص می دهند. مجله «لوک» (Look) علت این امر را دسترسی آسانتر وزارت دفاع، ناسا و کمیسیون انرژی اتمی به منابع می داند. قانونگذاران نیز در کمال تعجب نسبت به آنان با سخاوت تمام عمل می کنند. به عنوان مثال مجلس نمایندگان آمریکا در برآورده ساختن تقاضای مربوط به بودجه های نظامی تا آن جا پیش رفت که اخیراً بیش از ۱۳۲۵ میلیون دلار برای تحقیقات و توسعه نظامی در اختیار پنتاگون قرار داد. امسال این رقم چندین برابر شده است.

یکی از شوم ترین نمودهای نفوذ پنتاگون بر عرصه علوم، تحقیقات گسترده و تولید جنگ افزارهای بیرحمانه ای نظیر سلاح های شیمیایی و میکروبی است. تحقیقات پیرامون سلاح های شیمیایی و میکروبی در چند مرکز سزای ایالات متحده انجام می شود. از جمله این مراکز می توان از «فورت دتریک» واقع در مرلند نام برد که در آن جا برای قتل عام مردم و مسموم ساختن افراد و محصولات در مناطق وسیع، تدابیری طراحی می شود. میکروب های سیاه زخم، وبا، ذات الریه، قارچ های پوستی، تیفوس و میکروب های دیگر، برای این منظور کشت می شوند. پنتاگون قراردادهایی با بیش از پنجاه دانشگاه و کالج آمریکا دارد که براساس آن ها، دانشگاه های مزبور برای توسعه سلاح شیمیایی و میکروبی به مطالعه می پردازند. انستیتوی تحقیقاتی استانفورد، به عنوان یکی از این مراکز، در طرح مربوط به توسعه موشک های حامل عوامل سمی مشارکت دارد. دانشگاه دولتی پنسیلوانیا تحقیقاتی را پیرامون به کارگیری سلاح های شیمیایی در ویتنام انجام داد. دانشگاه کالیفرنیا در برکلی نیز در حال انجام تحقیقاتی پیرامون وسایل حمل سلاح میکروبی است. در نتیجه تلاش های مداوم کشورهای مترقی جهان، ایالات متحده مجبور شد قرار داد منع توسعه، تولید و ذخیره سازی سلاح سمی و میکروبی و لزوم امحای آن ها را امضا کند. این نخستین گام مهم از جانب ایالات متحده در جهت به رسمیت شناختن واقعی اصول مندرج در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو بود که از آن زمان تاکنون با گام های دیگری نیز دنبال شده است.

پس از جنگ جهانی دوم، پنتاگون پیوسته پایه های تحقیقاتی خود را تقویت کرده است. این پایه ها، ده ها سازمان تحقیقاتی (آزمایشگاه، مراکز، انستیتوها) را شامل می شود، مؤسسات به اصطلاح «غیرانتفاعی» بوجود آمدند و رشد کردند. دستمزدهای بالا و تسهیلات بسیار عالی این مراکز، جلب کننده دانشمندان برجسته به تحقیقات نظامی بود. نخستین سازمان «غیرانتفاعی» از این دست، مؤسسه «راند» بود که عمیقاً به تحقیقات نظامی می پرداخت. این مؤسسه، در سال ۱۹۴۵ تأسیس و اساساً وابسته به «داگلاس

ایرکرافت کورپوریشن» بود که تحقیقات «رانند» صرفاً خدمت منابع کمپانی مزبور قرار دارد. «رانند» به عنوان یک سازمان مستقل تحقیقاتی نظامی، پیشگام و الگوری یک سری مؤسسات «غیرانتفاعی» مشابه بود که علیرغم نامشان، بصورت مؤسسات بسیار سودآوری برای صاحبانشان درآمد. چندی بعد، در اثر فشار افکار عمومی، تحقیقاتی درباره این شرکت‌های «غیرانتفاعی» از طرف کمیته فرعی ویژه کنگره صورت گرفت. در این تحقیقات مشخص شد که یکی از این شرکت‌ها (شرکت هوا - فضایی ال. تی. وی) مقادیر کلانی به کارمندان خود پرداخته است. هیئت مدیره این شرکت، از آرایه حساب برخی هزینه‌های خاص، قاطعانه سر باز زد.

شرکت هوا - فضایی و مؤسسات وابسته به آن، منابع خود را مورد اسراف و تبذیر قرار داده بودند. بخش اعظم این منابع از طریق وزارت دفاع و به سهولت در اختیار شرکت مزبور قرار گرفته بود. مثال دیگر در این مورد، شرکت «رانند» است که تحقیقات بی شماری در همه زمینه‌ها انجام می‌دهد (از تحقیقات موشکی گرفته تا بررسی وضعیت اقتصادی و تفکر نظامی در شوروی سابق) این شرکت ۶۵ درصد بودجه خود را از نیروی هوایی ایالات متحده دریافت می‌دارد. حدود ۷۵-۸ درصد سرمایه انستیتوی هودسن منظمآ از طرف وزارت دفاع تأمین می‌شود. سفارشات پنتاگون به سازمان‌های «غیرانتفاعی» سالیانه به ده‌ها میلیون دلار بالغ می‌شود. در سال مالی ۱۹۹۱، شرکت «رانند» قراردادهایی را به ارزش ۱۹ میلیون دلار با وزارت دفاع آمریکا منعقد نموده. این رقم برای مرکز تحقیقات نیروی دریایی بیش از ۹ میلیون دلار و برای انستیتوی مطالعات امور دفاعی به یازده میلیون دلار بالغ شد.

روابط پنتاگون با سازمان‌های «غیرانتفاعی» و دانشگاه‌های کشور، ستون فقرات ساختار کلی تحقیقات نظامی در ایالات متحده می‌باشد. هر روز که می‌گذرد، کالج‌های بیشتری به مدار نظامی‌گری کشیده می‌شوند. وزارت دفاع قرار دادهای مختلف را با دانشگاه‌ها و کالج‌ها منعقد کرده است که براساس آن‌ها، این دانشگاه‌ها به تحقیقات مختلف نظامی (در زمینه تکنولوژی، موشک‌های هسته‌ای، تأثیر سلاح‌های شیمیایی و میکروبی، علوم رفتاری، سلاح‌های ضد اغتشاش و غیره) می‌پردازند.

در میان لیست پنتاگون در مورد صد شرکت عمده طرف قرارداد این وزارتخانه، در سال ۱۹۶۷ انستیتوی «صلح طلب» تکنولوژی ماساچوست، با قراردادهایی به ارزش ۹۴/۹ میلیون دلار، جای شصت و دوم را اشغال می‌کرد و اندکی پس از این شرکت، دانشگاه جان هاپکینز واقع است که حجم قراردادهای آن در همین سال به ۷۱/۷ میلیون دلار می‌رسید. انستیتوی تکنولوژی ماساچوست در سال ۱۹۷۱ توانست به جایگاه چهل و پنجم لیست

مزبور ارتقا یابد.

دانشگاه‌های استانفورد، روچستر، و شیکاگو، انستیتوی تکنولوژی کالیفرنیا و دیگر مؤسسات آموزش عالی در ردیف‌های بالاتر لیست همکاران وزارت دفاع قرار دارند. پنتاگون با ۳۵۰ مؤسسه آموزش عالی و سازمان «غیرانتفاعی» قرارداد دارد که در میان آن‌ها نام ۹۳ دانشگاه و کالج به چشم می‌خورد. حجم سالانه این قراردادها به ۷۰۰ میلیون دلار بالغ می‌شود.

براساس یک گزارش منتشره توسط «بنیاد کارنگی» بدون این مبالغ، ماهیت برنامه‌های تحقیقاتی بسیاری در این دانشگاه‌ها (و به دنبال آن برنامه‌های آموزشی آن‌ها) کاملاً دگرگون شده و بسیاری از دانشکده‌ها تعطیل می‌شوند. اغلب فعالیت‌های تحقیقاتی کاملاً متوقف خواهند شد و بقیه نیز به شدت کاهش خواهند یافت. دانشگاه کالیفرنیا در برکلی، نمونه‌ای از این مورد است، از بودجه سالانه چند میلیونی این دانشگاه، تنها ۲۶ درصد برای آموزش دانشجویان و ۶۲ درصد برای تحقیقات خرج می‌شود. اکثر این تحقیقات، به سفارش کمیسیون انرژی اتمی انجام می‌شود.

حتی مؤسسه فرهنگی آبرومندی چون دانشگاه هاروارد نیز تا حدود زیادی به مدار پنتاگون کشیده شده و سالانه حدود ۶ میلیون دلار از این وزارتخانه دریافت می‌دارد. «داوکیمیکال کورپورشین» از محل تولید ناپالم، سودهای افسانه‌ای می‌برد. نیروهای آمریکایی از بمب‌های این مؤسسه، بطور گسترده در ویتنام استفاده کردند. اما، در عین حال باید در نظر داشت که نخستین نمونه این ماده مرگبار، در آزمایشگاه‌های دانشگاه هاروارد ساخته شد.

روابط شخصی، نقش عمده‌ای را در تشدید روند نظامی شدن تحقیقات در امریکا بازی می‌کند. هم‌اکنون نمایندگان نخبگان نظامی - صنعتی که موافق سودهای کلان انحصار هستند، پست‌های بالای مراکز تحقیقاتی را اشغال کرده‌اند. به عنوان مثال. «جی. پی. روینا». معاون انستیتوی تکنولوژی ماساچوست که محرم راز وزارت دفاع است، یک افسر بلند پایه سابق پنتاگون است که اکنون ریاست «لینکلن انداینستر ومنتیشن لابراتواری» را برعهده دارد. قرارداد‌های این مؤسسه با وزارت دفاع، سالانه به حدود ۹۲ میلیون دلار بالغ می‌شود. «ویلیام هیولت» رییس مؤسسه «هیولت - پاکارد» که یک شرکت نظامی - صنعتی است، عضو هیأت امنای دانشگاه استانفورد است.

نمایندگان وزارت دفاع به صراحت از جهت‌گیری نظامی تحقیقات سخن می‌گویند. این امر، به تمرکز بیشتر تحقیقات نظامی و افزایش تعداد دانشگاه‌ها و مراکزی می‌انجامد که به تحقیقات وسیع در امور نظامی مشغولند. وقتی «ای.ای. دابریج» رییس انستیتوی

تکنولوژی کالیفرنیا، مشاور علمی پرزیدنت نیکسون شد، هارولد براون که تا آن زمان فرمانده نیروی هوایی بود، به ریاست انستیتوی مزبور انتخاب شد. در آن سال، وزارت دفاع قراردادهایی به ارزش ۳/۵ میلیون دلار با انستیتوی تکنولوژی کالیفرنیا منعقد کرد. ناتو و «سیا» نیز قراردادهایی به ارزش ۵ میلیون دلار با این مؤسسه امضا کردند. تحقیقات نظامی انجام شده توسط دانشگاه روجستر، براساس قراردادی به ارزش یک میلیون دلار صورت گرفت. «رابرت. ال. اسپرول» که زمانی رییس دفتر علوم دفاعی، (عالیترین ارگان علمی و مشورتی پنتاگون) بود. به معاونت جدید دانشگاه منصوب شد. بلافاصله پس از این انتصاب، حجم قراردادهای نظامی این دانشگاه به ۱۳ میلیون دلار افزایش پیدا کرد. «ویلیام رامبو» رییس افتخاری دانشکده مهندسی استانفورد و مدیر آزمایشگاه‌های الکترونیک این دانشگاه (که دارای قراردادهایی به ارزش ۲/۲ میلیون دلار با وزارت دفاع است) عضو هیأت مدیره و شریک مؤسسه «اپتیک» نیز هست. این مؤسسه، تولیدکننده تجهیزات الکترونیک نظامی است. «رامبو» علاوه بر این، عضو چندین کمیته نظامی و مشروطی، از جمله گروه رایزنی وزارت دفاع در زمینه جنگ افزارهای الکترونیک و فرماندگی الکترونیک ارتش نیز هست. بسیاری از دانشمندان آمریکایی که دارای طرز تفکری مترقی هستند به تأثیر فاجعه باری که این تحقیقات گسترده جنگی برآموزش کادرهای علمی می‌گذارد، اشاره کرده‌اند. «کنت پیترز» رییس دانشگاه استانفورد در این رابطه اعلام کرد: «اولویت‌های ملی ما اشتباه است». معذالک این وزارت دفاع است که هزینه‌های مربوط به برنامه‌های تحقیقاتی بسیاری از دانشگاه‌ها و یا طرح‌های مربوط به توسعه آن‌ها را تأمین می‌کند.

ساختمان جدید بخش مهندسی و علوم فضایی استانفورد با کمک دو میلیون دلاری ناسا (سازمان هوانوردی آمریکا) و یک میلیون دلاری نیروی هوایی آمریکا ساخته شد. روزنامه‌نگار آمریکایی «کلارک. ر. مالنهوف» در کتاب خود تحت عنوان «پنتاگون، سیاست‌ها، منافع و غارتگری» می‌نویسد: «بودجه عظیم پنتاگون، محلی سودمند و سهل الوصول برای کالج‌ها و دانشگاه‌های کشور جهت رفع برخی از مشکلات مبهم مالی‌شان است و بدون شک وزارت دفاع وسایل لازم را برای این دانشگاه‌ها جهت پرداخت حقوق‌های کلان و خرید تجهیزات بهتر، از طریق اعطای وجوه و انعقاد قراردادها فراهم می‌آورد.»

بسیاری از افراد جامعه دانشگاهی ممکن است از قدرتی که پول پنتاگون در اداره نهادهای آموزش بزرگ دارد آگاه نباشند، اما در خود وزارت دفاع، قدرت و تمرکز آن در دفتر وزیر دفاع، برهمگان آشکار است.

پایان